



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 5

כי עמך מקור חיים באורך נראה אור

زیرا سرچشمه حیات نزد توست؛ در نور تو نور را خواهیم دید



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/5

1 כי עמך מקור חיים באורך نראה اور. הנה מ"ש נראה اور יש בו ב' פירושים.

«زیرا سرچشمه حیات نزد توست؛ به نور تو نور را خواهیم دید.» اکنون، عبارت «نَرُئُهُ اور» (نראה اور, nir'eh or) دو معنا دارد.

הא' הוא כפשוטו שהאור נראה ומתגלה. והב' לשון רבים מדברים בעדם כלומר אנחנו נראה את האור.

معنای نخست، معنای ظاهری آن است: نور دیده می‌شود (نראה, nir'eh) و آشکار می‌گردد. معنای دوم، خواندن آن به صیغه جمع و از زبان گویندگان درباره خودشان است؛ یعنی ما نور را خواهیم دید.

ולהבין זה גם להבין מהו כי עמך מקור חיים ולא כתיב כי אתה.

و برای فهمیدن این نکته، باید همچنین بفهمیم که مقصود از «زیرا سرچشمه حیات نزد توست» چیست، و چرا نوشته نشده است: «زیرا تو هستی».

כי הנה כתיב (זכריה ד) ראיתי והנה מנורת זהב כולה וגולה על ראשה ושבעה נרתיה עליה שבעה ושבעה מוצקות לנרות אשר על ראשה ושנים זיתים עליה.

زیرا نوشته شده است (زکریا (زکریا 4): «دیدم و اینک شمعانی تماماً از طلا، با کاسه‌اش بر فراز آن، و هفت چراغش بر آن، هفت و هفت لوله برای چراغ‌هایی که بر فراز آن‌اند، و دو درخت زیتون بر آن.»

וביאור הדבר כי הנה ענין המנורה הוא כמ"ש זה דבר ה' אל זרובבל. כלומר שהמנורה הוא בחי' דבר ה' הוא בחי' כנ"י [כנסת ישראל] מקור נשמות ישראל

و توضیح مطلب این است که موضوع شمعدان همان است که نوشته شده: «این است کلام ה' خطاب به زروبابل (زروبابل).» یعنی شمعدان مرتبه «کلام ה'» است؛ این همان مرتبه جماعت اسرائیل (כנסת ישראל, Knesses Yisrael)، سرچشمه ارواح اسرائیل، است.

ושבעה נרותיה הם ז' מדות עליונות אהוי"ר [אהבה ויראה] והתפארות כו' שמאירים מלמעלה בכל נפש

מישראל בבחי' אתעדל"ע [אתערותא دلעילא] שאפי' [שאפילו] ברשע שורה עליו מלמעלה בבחי' מקיף

و هفت چراغ آن، هفت صفت برترند: عشق و هیبت و شکوه‌بخشی و غیره؛ این صفات از بالا بر هر نفس اسرائیلی می‌تابند، به‌منزله برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא, isarus dileila)، به‌گونه‌ای که حتی بر شخص شریر نیز از بالا و به شیوه‌ای فراگیر (مקיף, makif) قرار می‌گیرند.

ולכן כתיב עליה שבבחי' זו שהוא בבחי' השראה מלמעלה בבחי' מקיף כולם שוים לטובה וכמארז"ל [וכמאמר רבותינו זכרונם לברכה] אכל בי עשרה שכינתא שריא וכמ"ש בתניא.

ازاین رو نوشته شده است «بر آن»: در این مرتبه، که حضوری از بالا و به شیوه‌ای فراگیر است، همه به یکسان از آن بهره‌مندند؛ چنان‌که حکیمان ما، که یادشان خجسته باد، گفته‌اند: «هر جا ده تن با هم بنشینند، حضور الهی (שכינה, Shechinah) قرار می‌گیرد»، و چنان‌که در **תניא (תניא)** توضیح داده شده است.

2 **ושבעה ושבעה מוצקות הם בחי' המשכות ממדרגות עליונות מבחינת סוכ"ע לאתעדל"ע [لاتערותא دلעילא] זו. וכמה דרגין דא לעילא מן דא עד רום המעלות וכולם הם בחי' שבעה שבעה. וזהו לנרות אשר על ראשה.**

و «هفت و هفت مجرا» امتدادهایی از مراتب برترند، از مرتبه نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)، برای این برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא, isarusa dileila). مراتب بسیاری هست، یکی برتر از دیگری، تا بلندترین مراتب؛ و همه آنها از سنخ «هفت [و] هفت» هستند. و این است [معنای] «برای چراغ‌هایی که بر سر آن هستند».

והנה כתיב מנורת זהב כולה שכל המשכות ملעילא לעילא מריש כל דרגין הוא ע"י בחי' זהב שהוא בחי' שמאל כמ"ש מצפון זהב יאתה על אלוה נורא הוד:

اکنون نوشته شده است: «شمعدان (מנורת, menorah) سراسر از طلاست»؛ هر امتداد نور به پایین، از برترین مراتب و از سر همه مراتب، به واسطه مرتبه طلا صورت می‌گیرد، که مرتبه سوي چپ است؛ چنان‌که نوشته شده است: «از شمال طلا می‌آید؛ بر ه' شکوهی هیبت‌انگیز است».

3 **והענין כי הנה כתיב המגביהי לשבת המשפילי לראות בשמים ובארץ**

و مطلب [چنین] است: نوشته شده است: «آن‌که بر فراز جای گرفته، خود را فرومی‌آورد تا به آسمان و زمین بنگرد».

שמים פי' שם מים دهינו בחינת מים שהוא בחינת המשכה ממקום גבוה מסוכ"ע למקום נמוך להיות בחי' ממכ"ע [ממלא כל עלמין] והוא בחינת השפלה וירידה אצלו ית'.

«آسمان» (שמים, shamayim) یعنی «آنجا آب است» (שם מים, sham mayim)؛ یعنی مرتبه آب، که مرتبه پایین‌آوردن از جایگاهی بلند است: از [نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)] به جایگاهی فرودین، تا مرتبه [نوری که همه عوالم را پر می‌کند (ממלא כל עלמין, memalei kol almin)] شود؛ و این برای او، که متبارک است، فروکاستن و نزول است.

ופי' בשמים ובארץ (בבית"ן הנוספין) מתפרש לשני ענינים.

ו «דר אסמן ו דר זמין» (בא حروف افزوده ب، ب، beis) به دو معنا تفسیر می شود.

הא' שהוא משפיל א"ע [את עצמו] כביכול לראות תוך השמים ותוך הארץ.

نخست: او، گویی، خود را فرومی آورد تا به درون آسمان ها و به درون زمین بنگرد.

והב' כלומר שע"י בחינת שמים וארץ משפיל א"ע [את עצמו] שהם הם הגורמים לבחי' ירידה והשפלה זו.

و دوم، یعنی آن که به وسیله مرتبه آسمان و زمین، او خود را فرومی آورد؛ زیرا خود آنها سبب این نزول و فروکاستن هستند.

וביאור הענין כי פי' המגביהי לשבת אין ר"ל [רוצה לומר] שהוא ית' גבוה בבחינת מקום שהרי הנה מקום

אתי כתיב והוא ית' מקומו של עולם כו'. אלא פי' גבוה במעלה ועילוי אחר עילוי עד אין קץ ותכלית

שהוא קדוש ומובדל מגדר עלמין

و شرح مطلب چنین است: «آن که بر فراز جای گرفته» به این معنا نیست که او، که متبارک است، از نظر مکانی بلند است؛ زیرا

نوشته شده است: «اینک جایی نزد من است»، و او، تعالی، جایگاه جهان است، و جز این. بلکه معنایش بلندی مقام است: عروج

از مرتبه ای به مرتبه دیگر، بی انتها و بی کرانه؛ زیرا او مقدس و منزّه از حدود عوالم است.

כי כלם בחכמה עשית ועולם חסד יבנה והוא ית' רם ונשא ממדרגת חכמה עילאה וחסד עליון ואין להם

ערוך אליו ית' כלל וכדכתיב לך ה' הגדולה כו' שמדת הגדולה היא בטילה אליו ואין עולה בשם גדולה

כלל.

زیرا «همه را با حکمت (חכמה, Chochmah) ساختی» و «جهان با مهر (חסד, Chesed) بنا می شود»؛ و او، که متبارک است،

از مرتبه حکمت برین و مهر برین بلندتر و والاتر است، و آنها اصلاً با او قابل قیاس نیستند؛ چنان که نوشته شده است: «بزرگی

از آن توست، ای ה'»، و جز این: صفت بزرگی (גדולה, gedulah)، یعنی صفت **חסד**، در برابر او خود را هیچ می داند و اصلاً نام

بزرگی بر آن نمی توان نهاد.

וכן בחינת חכמה נחשבת לגבי הקב"ה כעשי' [כעשיה] גשמית כמ"ש כולם בחכמה עשית

و همین طور، مرتبه حکمت نسبت به قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) همچون ساختن

جسمانی (עשיה, asiyah) به شمار می آید؛ چنان که نوشته شده است: «همه را با حکمت ساختی» (עשית, asisa).

אלא מה שמתלבש אור א"ס ב"ה בחכמה וחסד ומתפשט תוך עלמין הוא בחינת ירידה והשפלה גדולה. بلکه اینکه نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof), که متبارک است، خود را در حکمت (חכמה, Chochmah) و مهر (חסד, Chesed) می‌پوشاند و درون عوالم گسترش می‌یابد، فرودی عظیم و تنزلی بزرگ است.

4 והנה בחינת התלבשות זו היא בבחינת תורה ומצות. וכמארז"ל [וכמאמר רבותינו זכרונם לברכה] הקב"ה מניח

תפילין הקב"ה מתפלל ואמרו מלמד שנתעטף הקב"ה כו'. ואמרו ג' ראשונות יושב ועוסק בתורה כו'.

اکنون این پوشش‌یافتن از راه تورا (تורה, Torah) و فرمان‌ها (מצות, mitzvos) است. چنان‌که حکیمان ما، یادشان گرامی، گفته‌اند: «قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) تفیّلین (تفیلین, tefillin) بر تن می‌کند»؛ «קב"ה دعا می‌کند»؛ و گفته‌اند: «این می‌آموزد که קב"ה خود را در شالِ نماز (טלית, tallis) پیچید» و الی آخر. و گفته‌اند: «[در] سه [ساعت] نخست می‌نشیند و به تورا می‌پردازد» و الی آخر.

וכן עד"ז כל המצות. וזהו אשר קדשנו במצותיו במצותיו דייקא שהמצות רמ"ח פקודין הן רמ"ח אברין דמלכא

و به همین ترتیب، همهٔ **מצות**. و این [معناي] «که ما را با فرمان‌های خود مقدس ساخته است» است؛ «با فرمان‌های خود» به‌دقت، زیرا **מצות**، یعنی ۲۴۸ فرمان، ۲۴۸ اندام پادشاه‌اند.

כלומר כמו למשל אבר הגשמי שהוא בטל ומתאחד עם החיות הרוחני השוכן בקרבו כך כל המצות הם בטלים ומתאחדים באור א"ס ב"ה ממש

یعنی همان‌گونه که، برای مثال، اندامی جسمانی در برابر نیروی حیاتِ روحانی‌ای که در درونش جای دارد در حالتِ خودنفی‌گری است و با آن یگانه می‌شود، به همین ترتیب همهٔ فرمان‌ها در برابرِ خودِ نورِ بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، در حالتِ خودنفی‌گری‌اند و با آن یگانه می‌شوند.

ובהם ועל ידיהם נמשך גילוי אור א"ס ב"ה להתלבש בבחי' חכמה وחסד וקדשנו שבאתעדל"ת [שבאתערוֹתא דלתתא] בעשיית האדם מצות ה' גורם אתעדל"ע [אתערוֹתא דלעילא] ורוח אייתי רוח ואמשיך רוח כו':

و در آن‌ها و به‌واسطهٔ آن‌ها، جلوهٔ نورِ بی‌پایان، که متبارک است، فرود آورده می‌شود تا در مرتبهٔ **חכמה** و **חסد** پوشش یابد. و «که ما را مقدس ساخته است»: زیرا به‌واسطهٔ برانگیختگی از پایین (אתערוֹתא דלתתא, isarusa dilesata)، هنگامی که شخص فرمان‌های ה' را انجام می‌دهد، برانگیختگی از بالا (אתערוֹתא דלעילא, isarusa dileila) را پدید می‌آورد؛ و «روحي، روحي می‌آورد و روحي را به‌دنبال می‌کشد» و الی آخر.

5 וזהו הבט משמים וראה והשקיפה ממעון קדשך מן השמים וברך את עמך את ישראל.

و این [معنای] «از آسمان بنگر و ببین» و «از جایگاه مقدّس خویش، از آسمان بنگر و قوم خویش، اسرائیل را برکت ده» است.

כי הנה כתיב רם על כל גוים ה' שהעכו"ם [שהעובדי כוכבים ומזלות] **מקבלים חיות מצד רוממות ה'**
והתנשאותו בעצמותו כביכול שהוא מצד עצמותו ומהותו רם ונשא מגדר עלמין עליונים ותחתונים ואין
להם יחוס ושייכות אליו כלל

زیرا نوشته شده است: «ה' از همه ملتها برتر است»: ملتهای بتپرست نیروی حیات خود را از رفعتِ ه' و تعالی او در ذات خویش می‌گیرند؛ گویی که او به ذات و حقیقت خویش، از حدودِ عوالم بالا و پایین برتر و فراتر است و آنان هیچ نسبت و پیوندی با او ندارند.

ومזה נמשך ממשלת העכו"ם [העובדי כוכבים ומזלות] **על ישראל בזמן הגלות גוים מרקדין בהיכלו כו'. כי**
שממית בידים תתפש והיא בהיכלי מלך שאינו תופס מקום כלל.

و از این، فرمانروایی ملتهای بتپرست بر اسرائیل در دوران تبعید پدید می‌آید؛ [چنان‌که گفته شده است،] «ملتها در حرم او پایکوبی می‌کنند» و جز آن. زیرا «عنکبوت با دست‌هایش می‌گیرد (תתפש, tesapes) و در کاخ‌های پادشاه است»، چون هیچ جایی را اشغال نمی‌کند (تופס, tofes).

6 וכך כל העולמות עליונים ותחתונים כולא כלא ממש חשיבי קמי קוב"ה [קודשא בריך הוא] וכדכתיב כי נשגב שמו לבדו רק הודו וזיוו והארתו על ארץ ושמים.

و بدین‌سان، همه عوالم بالا و پایین در برابر قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) حقیقتاً هیچ به شمار می‌آیند؛ چنان‌که نوشته شده است: «زیرا نام او به‌تنهایی بلندمرتبه است»؛ تنها «جلال او»، و تابش و نورش، [هستند] «بر زمین و آسمان».

וזהו כד סליק קוב"ה [קודשא בריך הוא] **לעילא כו'. ר"ל** [רוצה לומר] **שנסתלק החיות מההארה למעלה מעלה**
לבחי' עצמותו ומהותו

و این است [معنای] «هنگامی که قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא) به بالا صعود می‌کند»، و غیره. یعنی نیروی حیات (חיות, chayus) از تابش، بسیار بسیار به بالا، به مرتبه ذات و حقیقت او بازگرفته می‌شود.

ואזי העולמות אינם תופסים מקום כלל והנהגת העולמות הוא בבחי' שינה כביכול כאדם הישן שנסתלק שכלו מהכלי שהוא הגוף למקורו ושרשו ולא נשאר כ"א כח הדמיון שהוא רשימו כו'.

و آنگاه عوالم هیچ جایگاهی را اشغال نمی‌کنند و تدبیر عوالم، به اصطلاح، به صورت خواب است؛ مانند انسانی خفته که عقلش از ظرف خود، یعنی بدن، به سرچشمه و ریشه خویش بازگشته است و جز قوه خیال چیزی باقی نمانده؛ قوه‌ای که اثر باقی‌مانده (رשימו، reshimu) است، و غیره.

7 ולכן כתיב ויקץ כישן ה' וכתוב עורה למה תישן ה' שיהיה גילוי אור א"ס ב"ה בחכמה וחסד בבחינת עצמותו ומהותו ית' בכבודו ובעצמו ויאר פניו פנימיות רצונו כו'. והיינו ע"י המשכת התומ"צ [התורה ומצות].

از این رو نوشته شده است: «و ה' چون خفته‌ای بیدار شد»؛ و نیز نوشته شده است: «بیدار شو! چرا می‌خوابی، ه'؟»؛ تا نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، در حکمت (חכמה، Chochmah) و مهر (חסד، Chesed)، در مرتبه ذات و هستی خود او، متعال باد، با جلال خویش و به ذات خود، تجلی یابد؛ و «چهره‌اش (פניו، panav) را روشن سازد»؛ یعنی بُعد درونی (פנימיות، pnimiyus) اراده (רצון، ratzon) او، و جز اینها. و این از راه فرود آوردن تورا (תורה، Torah) و فرمان‌ها (מצות، mitzvos) صورت می‌گیرد.

8 וזהו הבט משמים וראה והשקיפה ממעון קדשך מן השמים שם میم שהיא בחי' התורה שנמשלה למים ואזי וברך את עמד את ישראל

و این [معنای] «از آسمان بنگر و ببین» و «از منزلگاه مقدّست، از آسمان بنگر» است: [«آسمان»، شמים (shamayim)، به معنای] «آنجا آب است» (שם מים، sham mayim)، که مرتبه تورات است؛ توراتی که به آب تشبیه شده است؛ و آنگاه: «و قوم خود، اسرائیل را برکت ده.»

כי ע"י בחינה זו נהי' [נהיה] אנחנו עם בני ישראל נתראים לפניו לדבר חשוב שכל עיקר ההשגה והגילוי הוא ע"י התורה

زیرا به واسطه این مرتبه، ما، قوم بنی‌اسرائیل، در برابر او چون چیزی مهم دیده خواهیم شد؛ زیرا تمام حقیقت ادراک و ظهور به واسطه تورات است؛

והתורה היא אצלנו בהתגלות וזהו נפתחו השמים ואראה מראות אלקים בחינת אספקלריא המאירה שע"י בחי' שמים.

و تورات نزد ما به صورت آشکار است. و این [معنای] «آسمان‌ها گشوده شدند و رؤیاهای اَلקים (אלקים, Elokim) را دیدم» است: مرتبة آینه شفاف و درخشان (اسפקلریا המאירה, aspaklaria hame'irah)، که به واسطه مرتبة آسمان حاصل می‌شود.

הנה מתראה לפניו כביכול כאלו עד"מ רואה במראה המאירה שהיא מכלי זכוית שע"י המראה נראה הדבר שרואין בה לדבר גדול יותר ומשובח יותר ממה שרואין אותה כך בלא מראה.

[اسرائیل] چنان‌که گویی در برابر او دیده می‌شود؛ به اصطلاح، گویی کسی در آینه‌ای درخشان از جنس شیشه می‌نگرد: از طریق آینه، چیزی که در آن دیده می‌شود بزرگ‌تر و نفیس‌تر از زمانی به نظر می‌آید که همان چیز را بی‌آینه ببینند.

כך ע"י הבטה והשקפה בבחי' התורה שם נראים לפניו ישראל שהם מקיימי' התורה בבחי' שבח וגדולה.

پس، از طریق نگریستن و نظر افکندن از منظر تورات، اسرائیل که تورات را به‌جا می‌آورد، آنجا در برابر او با ستایش و بزرگی دیده می‌شود.

וזהו ומי כעמך ישראל גוי אחד בארץ פי' שהם ממשיכים להיות שורה ומתגלה בחי' הוי"ה אחד שיהיה שורה בארץ התחתונה.

و این [معنای] «و چه کسی همچون قوم تو، اسرائیل، ملتی یگانه بر زمین است» است: یعنی آنان مرتبة «نام چهارحرفی (ה')، Havayah) یکی است» را فرومی‌آورند تا در زمین فرودین برقرار و آشکار شود، تا در زمین فرودین جای گیرد.

9 והנה ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] מצות צריכות כוונה היינו כוונת הלב רעותא דלבא להמשיך אא"ס [אור אין סוף] ב"ה ממקורא דכולא שימושך ויתגלה בבחי' חכמ' [חכמה] וחסד.

اکنون حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، گفته‌اند: «فرمان‌ها (מצות, mitzvos) به نیت نیاز دارند»؛ یعنی نیت دل، خواست دل (רעותא דלבא, re'usa d'liba)، برای آن‌که نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که او متبارک است، از سرچشمه همه فرود آورده شود و در مرتبة حکمت (חכמה, Chochmah) و مهر (חסד, Chesed) فرود آید و آشکار گردد.»

וזהו בחי' הזהב שהזהב הוא מנוצץ כעין ניצוצי וגחלי אש לוחשות. וכך צריך להיות בחי' רעותא דלבא ברשפי אש האהבה.

و این همان جنبه طلاست، زیرا طلا همچون جرقه‌ها و اخگرهای گداخته آتش برق می‌زند. خواست دل نیز باید چنین باشد، با شعله‌های آتش عشق.

והיינו כשיקיים מארז"ל [מאמר רבותינו זכרונם לברכה] בכל יום יהיו בעיניך כחדשים. דהיינו כשישים אל לבו ויתבונן במוחו ושכלו מ"ש אני ראשון ואני אחרון. ואני הוי"ה לא שניתי ואתה הוא קודם שנברא העולם כו'.

و این هنگامی است که آدمی به آنچه حکیمان ما گفته‌اند عمل کند: «هر روز در نظرت تازه باشند». یعنی آن‌گاه که آن را به دل می‌گیرد و با ذهن و عقل خود در آنچه نوشته شده می‌اندیشد: «من نخستینم و من واپسینم»، و «من، ה'، تغییر نکرده‌ام»، و «تو پیش از آن‌که جهان آفریده شود [همان] بودی» و جز اینها.

וזהו פי' הא' של בשמים ובארץ דהיינו שמשפיל א"ע [את עצמו] לתוך בחינת שמים וארץ:

و این نخستین تفسیر «بر آسمان و بر زمین» است: یعنی او خود را تا مرتبه آسمان و زمین فرود می‌آورد.

10 **וביאור פי' הב' שבחינת שמים וארץ הוא הגורם ההשפלה יובן עם מ"ש וגלה על ראשה שפי' גולה הוא מלשון גולת הכותרת שהיא בחי' כתר למעלה מן הראש. והיינו בחי' כתר מלכות עטרת תפארת.**

و توضیح تفسیر دوم، یعنی اینکه مرتبه آسمان و زمین سبب فرود آمدن می‌شود، از آنچه نوشته شده است فهمیده خواهد شد: «و کاسه‌اش بر فراز آن». واژه «کاسه» (גולה, gulah) از تعبیر «تاج سرستون» (גולת הכותרת, gulas hakoseres) گرفته شده است؛ و آن مرتبه تاجی بر فراز سر است. و این همان مرتبه تاج فرمانروایی (כתר מלכות, Keser Malchus)، یعنی تاج پادشاهی، تاج زیبایی و هماهنگی (تפארת, Tiferes) است.

11 **והענין כי זה כלל גדול בעבודת ה' שהעבודה שמצד הרצון והבחירה שמחמת השגת המשכילים קרבת אלקים כי טוב אין זו נק' בשם עבודת עבד**

و مقصود [این است]: قاعده‌ای بزرگ در خدمتِ ה' آن است که خدمتی که از اراده و انتخابِ خودِ انسان سرچشمه می‌گیرد و از این فهم اندیشمندان برمی‌آید که «نزدیکی به ה' نیکوست»، «خدمتِ بنده» نامیده نمی‌شود.

כי עיקר העבודה היא לקבל עליו עול מ"ש שהיא למעלה מן הטעם והדעת המושג וכמ"ש שום תשים עליך מלך

זیرا اصل خدمت آن است که انسان یوغ پادشاهی آسمان را بر خویش بپذیرد؛ یوغی که فراتر از عقل و دانشی است که می توان آن را دریافت، چنان که نوشته شده است: «بی گمان پادشاهی بر خود بگمار».

وكمأرز"ל [وكمأמר ربوتינו זכרונם לברכה] בטל רצונך מפני רצונו שיהיה לו ביטול רצון וכאלו אין לו רצון אחר כלל רק לקיים מה שמצוה עליו השי"ת [השם יתברך] ובקבלי [ובקבלה] זו אתכפיי [אתכפייא] סט"א [סטרא אחרא] ואסתלק יקרא דקוב"ה [דקודשא בריך הוא] כו'.

و چنان که حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، گفته اند: «اراده خود را در برابر اراده او خاضع ساز»؛ یعنی اراده انسان در برابر اراده او به خودنهی گری (بیטול, bittul) برسد، چنان که گویی هیچ اراده دیگری ندارد و تنها می خواهد آنچه را که **ה'**، تبارک و تعالی، به او فرمان می دهد به جا آورد. و با این پذیرش، سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) به زیر کشیده می شود و جلال قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) بالا می رود و غیره.

12 וזהו ברוך אתה הוי"ה אמ"ה [אלקינו מלך העולם] שנמשך להיות בחי' מלכותו על העולם מחמת ביטול רצון להיות עבד לו. ואזי נמשך מלמעלה להיות בחי' מלך כי אין מלך בלא עם.

و این [معناي] «مبارک هستی تو، **ה'**، **ה'**، ما، پادشاه جهان» است: یعنی مرتبه فرمانروایی او بر جهان، به سبب خودنهی گری اراده (بیטול, bittul)، برای آن که بنده او باشد، به پایین کشیده می شود. و آنگاه از بالا کشیده می شود تا مرتبه پادشاه شود، زیرا پادشاهی بدون قوم نیست.

וזהו כי לי בני ישראל עבדים פירושו שע"י שיהיו בבחי' עבדים אזי יהיו לי ואזי יומשך גילוי אור א"ס ב"ה ממקורא דכולא.

و این [معناي] «زیرا فرزندان اسرائیل بندگان من اند» است: یعنی از آن رو که در مرتبه بندگان باشند، آنگاه «از آن من» خواهند شد؛ و آنگاه جلوه نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که او متبارک باد، از سرچشمه همه چیز به پایین کشیده خواهد شد.

13 וזהו המשפילי לראות בשמים ובארץ פי' שע"י בחי' שמים וארץ שהם בחי' תושב"כ [תורה שבכתב] ותורה שבע"פ [שבעל פה]

و این [معناي] «آن که خود را فرو می آورد تا به آسمان و زمین بنگرد» است؛ یعنی به واسطه مرتبه (בחינה, bechinah) آسمان و زمین، که عبارت اند از تورات مکتوب و تورات شفاهی،

ופעמים שהם נקראים בחינת תורה ותפלה ועי"ז גורם ירידת והמשכת אור א"ס ב"ה כי התפלה היא מבחי' ארץ שהיא בחי' ביטול רצון להיות כעפר.

و گاه آن‌ها را تورات و دعا می‌نامند؛ از این راه [آدمی] سبب فرودآمدن و امتداد نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که متبارک است، می‌شود. زیرا دعا از مرتبه زمین است؛ یعنی خودنهی‌گری اراده (بیטול, bittul)، تا همچون خاک باشد.

14 וזהו ענין הצעקה במרירות צעק לבם ויצעקו אל ה' בצר להם ועי"ז ופרעה הקריב כי ע"י אתעדל"ת

[אתערותא דלתתא] מעומק' [מעומקא] דלבא במרירו' נפשו מפנימיות נקודת הלב אזי אתכפיי' [אתכפייא] סט"א [סטרא אחרא] ואסתלק יקרא דקוב"ה [קודשא בריך הוא] וכו'

و این است معنای فریاد آمیخته به تلخی: «دلشان فریاد برآورد»، «و در تنگنای خود به ه' فریاد زدند»؛ و از این راه، «و فرعون نزدیک آورد» (הקריב, hikriv). زیرا به واسطه برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarus dilesata)، از ژرفای دل، در تلخی جان آدمی و از بُعد درونی نقطه دل، سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) مقهور می‌شود و جلال قدوس متبارک (קב"ה / کודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) اعتلا می‌یابد، و جز این.

וכן ע"י התורה והמצות אשר קדשנו במצותיו שהעלנו בקדש העליון כו' כמ"ש במ"א روح אייתי روح ואמשיך روح ה' וגילוי אור א"ס ב"ה ממקורא דכולא.

و نیز به واسطه تورا (תורה, Torah) و فرمان‌ها (מצות, mitzvos)، «که ما را با فرمان‌هایش مقدس ساخته است»، زیرا ما را به قداست برین بالا برده است، و جز این؛ چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است: «روحي، روحی را می‌آورد و فرومی‌کشد» —روح ه' و تجلي نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof)، که متبارک است، از سرچشمه همه.

15 וזהו בחי' מנורת זהב כו' בחי' שמאל וכמ"ש מצפון זהב יאתה כו'. אך הגורם לבחי' ומדרגה רבה זו

וביטול רצון זה. הנה כתיב ושנים זיתים עליה אחד מימין הגלה וא' על שמאלה.

و این همان مرتبه (בחינה, bechinah) «چراغدانی از طلا» و غیره، و בחינה چپ است، چنان‌که نوشته شده است: «از شمال، طلا می‌آید» و غیره. اما چه چیزی سبب این مرتبه و مقام عظیم و این خودنهی‌گری (بیטול, bittul) اراده می‌شود؟ نوشته شده است: «و دو درخت زیتون بر فراز آن بودند؛ یکی در سمت راست کاسه و دیگری در سمت چپ آن.»

16 וכתוב אחד אומר אשר הם מריקים הזהב פי' שע"י נמשך בחי' הזהב והם הם בחי' התורה והמצות

בשרשם שמהם נשפע בחינת התעוררות בנצוץ אלקות שבאדם

و آیه‌ای دیگر می‌گوید: «که طلا را فرو می‌ریزند»؛ یعنی از طریق آنان مرتبه طلا نازل می‌شود. آنان همان مرتبه تورات (تורה, Torah) و فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) در ریشه خویش‌اند؛ از آنان است که برانگیختگی‌ای در جرقة الوهیتی که در انسان است جاری می‌شود.

לעורר את האהבה כרשפי אש ומרירות על נפשו מעומקא דלבא בצר לו בגלותא במאסר הגוף ולהיות

כלתה נפשו להשתפך אל חיק אביה בכלות הנפש לצאת מנרתקה.

تا عشقی همچون شعله‌های آتش برانگیزد، و از ژرفای دل، در پریشانی‌اش در تبعید و در زندان بدن، نسبت به جان خویش تلخی و اندوه احساس کند؛ و جانش مشتاق باشد که خود را به آغوش پدرش فرو ریزد، در حال پایان‌گرفتن جان، تا از غلاف خویش بیرون آید.

17 וזהו כי עמך מקור חיים ר"ל [רוצה לומר] שמקור החיים והמשכות שפע אור אלקי בכל העולמות עליונים

ותחתונים הוא בטל וטפל לגבי קוב"ה [קודשא בריך הוא] בכבודו ובעצמו

و این [معنای] «زیرا نزد تو سرچشمه حیات است» است: یعنی سرچشمه حیات و نزول فیض نور الهی به همه عوالم بالا و پایین، در برابر قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu)، در جلال و ذات خود او، در مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul) و تبعیت است.

כי הקב"ה בכבודו ובעצמו אינו בגדר המשכה והשפע' כלל אלא שבאורך נראה אור דהיינו ע"י הארת

אור התורה ומצות שהן הן בחי' אברין דמלכא שם בחי' המשכה להיות נראה אור ונתגלה בבחי' גילוי

زیرا قدوس متبارک، در جلال و ذات خود خویش، اصلاً در مقوله نزول و افاضه نمی‌گنجد؛ بلکه «به نور تو، نور دیده می‌شود» (نראה אור, nir'eh or)؛ یعنی از طریق تابش نور تורה (Torah) و فرمان‌های الهی (מצוות, mitzvos)، که همان «اندام‌های پادشاه»‌اند، نزولی رخ می‌دهد تا نور دیده شود و آشکارا متجلی گردد.

וגם אנחנו נראה כי מאחר שעל ידינו מתראה האור הרי אנחנו נראים באור זה ומתגלי' [ומתגלה] הארת

קדושי' [קדושה / קדושת] ישראל כמ"ש ומי כעמך ישראל כו':

و نیز «ما خواهیم دید» (نראה, nir'eh): چون نور به واسطه ما دیده می‌شود، ما نیز در این نور دیده می‌شویم و فروغ قدوسیّت اسرائیل آشکار می‌گردد؛ چنان‌که نوشته شده است: «و چه کسی مانند قوم تو، اسرائیل، است؟» و الی آخر.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/5/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک